

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ جنوری ۲۰۲۳

ابراز امتنان خدمت خوانندگان یادداشتهای این قلم!

جمعه - ۱۶ جدی ۱۴۰۱ - کابل: به دنبال نشر یکی دو گزارشی که از وضع اقتصادی ناگوار مردم افغانستان در کل و باشندگان شهرهای بزرگ خاصاً کابل نگاشتم، تعدادی از خوانندگان گرامی یادداشتهای پراکنده و مختصر این قلم، لطف نموده چه از طریق ایمیل خودم و چه از طریق پورتال پیشنهاد کمک اقتصادی برای شخص خودم را نموده بودند. در یادداشت امروز ضمن آن که امتنان و سپاس عمیق را به خاطر پیشنهادات انسانی که نموده اند ابراز می دارم و در اساس طرح و ابراز چنین آمادگی هائی را نمودی از جوهر انسانی این دوستان می دانم، بدون آن که تحت تأثیر غرور خرده بورژوائی و یا استغنائی نوع فیودالی قرار گرفته باشم، صمیمانه خدمت این دوستان نکاتی را بیان می دارم، امیدوارم مورد توجه قرار گیرند:

۱- ابراز آمادگی کمک از جانب خوانندگان عزیزی را که هیچ نوع شناخت قبلی از همدیگر نداریم و به گفته مردم چه بسا پدران ما هم در یک مسجد با هم نماز نخوانده باشند، در اساس مبین دو نکته می بینم. نکته نخست احساس و عواطف انسانی این خوانندگان گرامی - که من بعد از آنها به نام دوستان یاد خواهم نمود- است. این پیشنهاد عملاً نشان داد که علی رغم تمام فرهنگ زدائی هائی که در طی بیش از ۴ دهه اخیر از جانب اشغالگران روسی و امریکائی و نوکران زرین قلاذه شان اعم از خلقی-پرچمی ها، جهادی ها و جواسیس تکنوکرات صورت گرفته، خوشبختانه آنها تا هنوز موفق نشده اند، مردم ما را با فرهنگ پر بار پارینه این مرزوبوم بیگانه بسازند. هنوز هم کسانی هستند که شخصیت آنها را کمک به درماندگان ساخته و معتقد اند "آدمی را تن بلرزد چون ببیند ریش را". این اعتقاد و ابراز آمادگی کمک به آنهایی که اصلاً در تمام عمر آنها را ندیده اند، نشان داد که فرهنگ اندیویدالیسم و خود محور بینی بورژوائی نتوانسته ضمیر و وجدان جم غفیری از فرزندان این خطه را آلوده نماید.

دومین نکته، به برداشت من به نحوی ارزیابی از کار متواتر چندساله من را به نمایش می گذاشت. یعنی من از نفس این پیشنهاد های کمک، برداشت نمودم که آنچه می نویسم و تا حال نوشته ام مورد پذیرش این جمع از دوستان قرار گرفته و تأیید آنها را با خود دارد. این تأیید می تواند به مثابه بهترین و بزرگترین مشوق باعث گردد که به کاری تا حال انجام داده ام ادامه داده و در جهت تکامل آن کوشا باشم.

۲- و اما به ارتباط نیازمندی های مفرط در جامعه ما:

با در نظر داشت این که "غنی احمدزی" در زمانی که میلیارد ها دالر از درو دیوار به کشور ما سرازیر می شد، شخصاً اعتراف نمود که بیش از ۹۰ درصد باشندگان کشور زیر خط فقر زندگانی می نمایند و با در نظر داشت این که حاکمیت دار و تازیانه طالب در طی ۱۸ ماه گذشته، به ده ها هزار کارمندی را که تا دیروز یک لقمه می توانستند به خانه هایشان برسانند، هم بیکار نموده و یقیناً تعداد گرسنگان از آن ۹۰ درصدی که نوکر استعمار گفته بود هم بیشتر شده است، به جرأت گفته می توانم در افغانستان همین حالا به جز طیف معینی از حاکمیت نظام ملاسالار و آنهایی که هنوز هم از آخور کشور های امپریالیستی دور و نزدیک ارتزاق می نمایند، بقیه مردم حتماً آنهایی که تا هنوز صاحب معاش اند و یا اعضای خانواده های شان از خارج کشور برایشان پول می فرستند، محتاج و نیازمند کمک به شمار رفته، هر نوع دستگیری از آنها وظیفه انسانی و میهنی ما را می سازد.

اما در مورد خودم. همان طوری که در آغاز نگاشتم که در بحث نه غرور خرده بورژوائی جای دارد و نه هم استغنائی نوع فیدالی، دوستان می نویسم که وضع اقتصادی خانوادگی ما نسبت به اکثریت بیش از ۹۰ درصد مردم افغانستان بهتر است و وقتی خود را با آنها مقایسه می نمایم، حتماً اگر همین حالا خودم نیز دست برخی ها را بگیرم که گرفته ام، فداکاری به شمار نمی رود.

همین اکنون در دور و بر ما خانواده هایی زندگانی می نمایند که نه تنها مردان نان آور خانواده هایشان را از دست داده اند بلکه زنان شاغل آن خانواده ها نیز به فرمان ارتجاع از گور برخاسته خانه نشین شده است. هرچند آنها معاش ماه قوس شان را دریافت داشته اند، مگر همه در تشویش اند که نکند برای ماه جدی دیگر از معاش خبری در بین نباشد. خانواده هایی را می شناسم که جمعاً ۹ نفر اند، یعنی یک زن با ۶ اولاد قد و نیم قد همه یا به حساب دختر بودن خانه نشین و یا هم کودک و دوتن دیگر پیران زمین گیر که به مانند آب به دارو ضرورت دارند، خانواده ای را می شناسم که یک مادر تنها با چهار طفل خردسال به گفته مردم در میدان "خداوراستی" مانده، هیچ کس نیست تا کمترین کمکی به آنها نماید.

دوستان عزیز اینهایی را که من می شناسم فقیر ترین ها نیستند زیرا سقفی بالای سر خود دارند و مجبور نیستند کرایه خانه بپردازند، در همین شهر چند میلیونی کابل هستند خانواده هایی که علی رغم سرمان استخوانسوز کابل در زیر خیمه های تکه تکه زندگانی می نمایند.

۳- با در نظر داشت وضعیت خراب اقتصادی مردم، پیشنهاد مشخص من به دوستانی که می توانند و علاقه دارند کمک نمایند این است: در گام نخست بکوشند تمام آنهایی را که در شهر کابل ویا سایر شهر ها و کلیت باشندگان افغانستان می شناسند، در همان حدی که می توانند به آنها کمک نمایند. دومین گام آن است که در محل زیست شان به خصوص اگر در خارج از افغانستان زندگانی می نمایند نهادهایی را به وجود بیاورند که کمک های فردی شان را متراکم ساخته از طرق مطمئن به نیازمندان برسانند و از همه بالاتر صدای مردم افغانستان در بیرون از کشور شوند تا امپریالیست های با دادن ۴۰ میلیون دالر هر هفته به طالب، عمر ننگین این نظام ضد انسانی را طولانی نسازند.

دوستان عزیز، مطمئن باشید تا جایی که به کار در داخل کشور ارتباط بگیرد، عل رغم زندگی نیمه مخفی که دارم هیچگاهی شما را تنها نخواهم گذاشت. اتحاد و همبستگی کلیه نیروهای انقلابی و ملی متضمن پیروزی ماست. ممنون.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!